

هنرنمایی آقایشتکی در چاله حوض

موضوع:
چاله حوض

ویژگی:
محل‌های
تهران قدیم

نخستین حمام‌هایی که در تهران ساخته شد با سبک زندگی تهران نشین‌ها در آن روزگار سازگاری و ارتباط مستقیم داشت.



حمام‌های سنتی که از دوره صفوی در تهران ساخته شدند علاوه بر خزینه، حوض‌های بزرگی داشتند که اصطلاحاً به آن چاله حوض می‌گفتند. چاله حوض که جایی برای آب‌تنی و استحمام عمومی بود معمولاً بین ستون‌ها ساخته می‌شد و شباهت زیادی به استخر داشت. دارپوش شهبازی، تهران پژوه، درباره تاریخچه ساخت چاله حوض در نخستین حمام‌های تهران می‌گوید: «ساخت چاله حوض پیچیدگی‌های خاص خودش را داشت و به همین دلیل در هر مکانی امکان ساخت آن وجود نداشت. معمارها به واسطه تجربه‌ای که در ساخت و ساز داشتند ابتدا خاک آن محل را مورد بررسی قرار می‌دادند تا استحکام آن را بسنجند. سقف بالای چاله حوض را هم با تکنیک پل زدن می‌ساختند تا از نور طبیعی بهره‌مند شود. چاله حوض حکم استخر عمومی را داشت و افرادی که برای شنا کردن به حمام می‌رفتند از چاله حوض استفاده می‌کردند.»

در تهران قدیم، باستانی کارها و علاقه‌مندان به ورزش پهلوانی در روزهای آخر هفته به حمام‌های سنتی می‌رفتند و در چاله حوض‌ها به قول معروف تنی به آب می‌زدند. بازار شیرین کاری در چاله حوض‌ها حسایی داغ بود و شناگران حرفه‌ای با ایستادن روی لبه چاله حوض و پشتک زدن به داخل آب، افراد داخل حمام را به وجد می‌آوردند. شهبازی درباره حمام‌هایی که به چاله حوض مجهز بودند، می‌گوید: «حمام‌های قدیمی تهران مثل حمام سنگلج، حمام نظام‌الملک، حمام قیصریه و ... چاله حوض داشتند و پذیرای پهلوان‌ها و شناگران ماهر بودند. یکی از سنت‌هایی که در حمام‌های قدیمی رعایت می‌شد این بود که جوان‌ها دور چاله حوض می‌نشستند و شنا کردن، شیرجه زدن و پشتک زدن به داخل آب را تماشا می‌کردند. در دوره قاجار یکی از اشخاصی که در شنا و شیرجه به مهارت بالایی رسیده بود در چاله حوض‌ها چنان پشتک می‌زد که در تهران معروف شد و لقب «آقایشتکی» به او دادند. با ورود آب لوله‌کشی به تهران و نصب دوش در حمام‌های سنتی، چاله حوض‌ها که محل انتقال بیماری‌های پوستی و عفونی هم بودند یکی یکی تخریب شدند.»

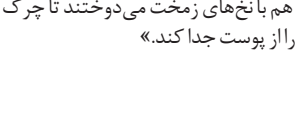
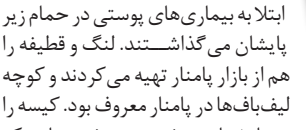
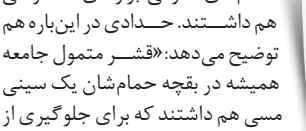
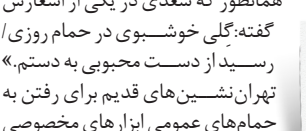
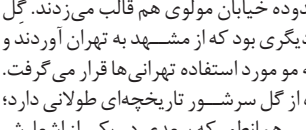
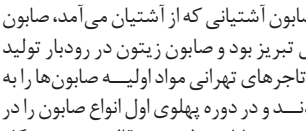
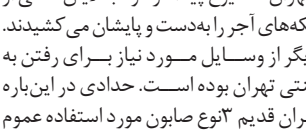
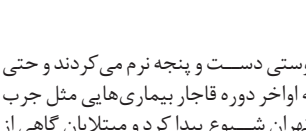


موضوع:
حمام‌های
خصوصی

ویژگی:
اشرف و
اعیان تهرانی
درخانه حمام
داشتند

برخی از آنها درهای حمام را به روی عموم مردم نیز باز می‌کردند چون این عمل را نیکو می‌دانستند؛ اینکه برادر دینی‌شان بتواند ناپاکی را از جسم و گناه را از روحش پاک کند، ثواب داشت. با این حال حمام‌های عمومی تهران بسیار کثیف است. سرد و نمناک با دیوارهای سیاه و فرسوده، خزینه‌ها سوسسک دارد و بوی زننده از همه جا به مشام می‌رسد.»

مهرماه فرمانفر میان، دختر عبدالحسین میرزا فرمانفرما بیان نیز در کتاب خاطرات خود که از عمارت باغ شاه روایت می‌کند، درباره حمام سرخانه می‌نویسد: «حمام بزرگی حدفاصل اندرونی خانم عزت‌الدوله و باغی که مادر آن زندگی می‌کردیم بود. مادر، کودکان، ننه من و ننه منوچهر دسته جمعی به حمام می‌رفتیم. خانه ما بزرگ بود و عده زیادی در اندرونی زندگی می‌کردند، از این جهت روزهای حمام را معلوم می‌کردند. روز یکشنبه مخصوص مادر، فرزندان و اهل خانه او بود. روز جمعه و صبح‌های زود خود فرمانفرما حمام می‌رفت. یکی از لذت‌های زندگی من حمام رفتن بود. معمولاً هفته‌ای یک بار به حمام می‌رفتیم.»



بزرگان و اشراف تهران حمام عمومی نمی‌رفتند

حمام‌های سرخانه یا خصوصی، برای اعیان و اشراف تهران بود که در خانه‌های خود می‌ساختند.

در تهران قدیم تنها حمام عمومی وجود نداشت، بلکه درباریان و ثروتمندان در خانه خود حمام می‌ساختند. البته این حمام‌ها که برخی در کاخ‌های شاه‌ی و تعدادی هم در عمارت افراد متمول ساخته می‌شد محدود بود.

نصرالله حدادی، تهران پژوه می‌گوید: «خانواده‌هایی در تهران حمام «سرخانه» داشتند. ثروتمندان همه نوع امکانات همچون آب‌سانی به حمام، رختکن، گرمخانه و ... را در خانه مهیا می‌کردند. بعضی‌ها قاره‌های بزرگ را از آب‌چاه پرمی‌کردند و در وسط حیاط زیر نور خورشید می‌گذاشتند تا آب گرم شود. این روش برای روزهای گرم سال بود. از معروف‌ترین حمام سرخانه‌های باقیمانده از تهران قدیم می‌توانیم به حمام خانه عبدالوهاب خان آصف‌الدوله در کوچه شهید مدرس و حمام خانه میرزا بزرگ نوری در خیابان پاچنار کوچه صدر اعظم نوری اشاره کرد. البته حمام باب‌همايون هم حمام سرخانه شاه بود که به کاخ گلستان متصل بود.»

«ژولین دوروش شوار» که از جانب دولت فرانسه در دربار ناصرالدین شاه حضور داشت درباره حمام سرخانه در سفرنامه خود می‌نویسد: «خانه بزرگان، حمام داشت. البته



کاربرد سحرآمیز سفیدآب و گل سرشور!



موضوع:
شیوه تولید
و کاربرد وسایل
حمام

ویژگی:
مقابله
با بیماری‌های
واگیردار پوستی

اگرچه بیشترین حمام‌های قاجاری در تهران ساخته شد، اما وسایل استحمام معمولاً از شهرهای دور و نزدیک به پایتخت می‌رسید. کارگاه‌های راسته خیابان مولوی و محدوده بازار، محل تولید روشور و انواع صابون بود، اما مواد اولیه آنها به شهرهای دیگر تعلق داشت. نصرالله حدادی، تهران پژوه معتقد است: روشور یکی از نخستین وسایل استحمام تهرانی‌ها در روزگار قدیم بود: «در تهران قدیم، روشور برای ضدعفونی کردن پوست، رفع جوش‌های ناشی از اصلاح و رفع لکه‌های پوستی به کار می‌رفت و آن را با کیسه به بدن می‌کشیدند. روشورها ترکیبی



از چربی، پیسه و مغز استخوان گوسفند بود که مقداری پودر مل هم به آن اضافه می‌کردند تا قوام پیدا کند. روشورهای اعلا عمدتاً در یزد، کرمان و مناطقی در کردستان تولید می‌شد، اما تعدادی در کارگاه تولید روشور هم در تهران وجود داشت. زنان دوره قاجار از روشور به عنوان ماده آرایشی لایه‌بردار هم استفاده می‌کردند و به همین دلیل به آن سفیدآب به معنای سفیدکننده صورت می‌گفتند.»

تا قبل از ظهور پدیده‌ای مثل روشور یا همان سفیدآب، تهران نشین‌ها با انواع

بیماری‌های پوستی دست و پنجه نرم می‌کردند و حتی روایت شده که اوایل دوره قاجار بیماری‌هایی مثل جرب و خارشک در تهران شیوع پیدا کرد و مبتلایان گاهی از شدت خارش تکه‌های آجر را به دست و پایشان می‌کشیدند. صابون، یکی دیگر از وسایل مورد نیاز برای رفتن به حمام‌های سنتی تهران بوده است. حدادی در این باره می‌گوید: «در تهران قدیم ۳ نوع صابون مورد استفاده عموم قرار می‌گرفت. صابون آشتیانی که از آشتیان می‌آمد، صابون برگردان محصول تبریز بود و صابون زیتون در رودبار تولید می‌شد. برخی تاجرهای تهرانی مواد اولیه صابون‌ها را به پایتخت می‌آوردند و در دوره پهلوی اول انواع صابون را در کارگاه‌های محدوده خیابان مولوی هم قالب می‌زدند. گل سرشور ماده دیگری بود که از مشهد به تهران آورده و برای دوام ریشه مو مورد استفاده تهرانی‌ها قرار می‌گرفت. البته استفاده از گل سرشور تاریخچه‌ای طولانی دارد؛ همانطور که سعدی در یکی از اشعارش گفته: گلی خوشبوی در حمام روزی / رسید از دست محبوبی به دستم.» تهران نشین‌های قدیم برای رفتن به حمام‌های عمومی ابزارهای مخصوصی هم داشتند. حدادی در این باره هم توضیح می‌دهد: «قشر متمول جامعه همیشه در بچه حمام‌شان یک سینی مسی هم داشتند که برای جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های پوستی در حمام زیر پایشان می‌گذاشتند. لنگ و قطیغه را هم از بازار پامنار تهیه می‌کردند و کوچه لیف‌باف‌ها در پامنار معروف بود. کیسه را هم با نخ‌های زمخت می‌دوختند تا چرک را از پوست جدا کند.»